

تاریخ هنر

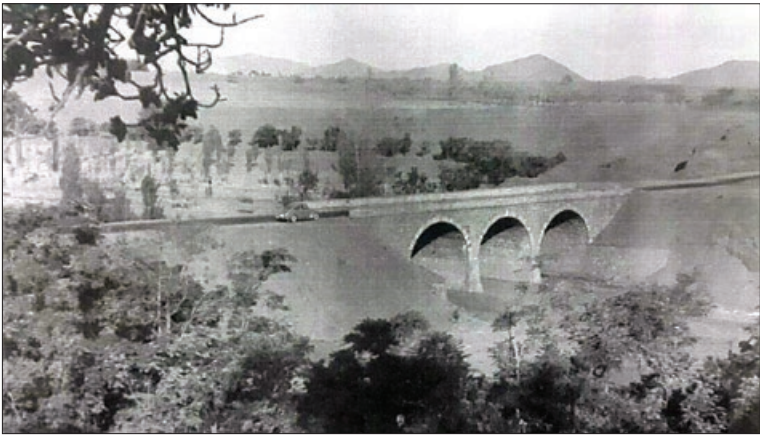
کهن ترین ساز زهی جهان ایرانی است



حلاجیان - پس از تلاش هشت ساله پنج نفر از پژوهشگران تاریخ موسیقی برای رصد و بررسی اولین سازهای ایرانی، مشخص شد اولین ساز زهی ایران و جهان است که سایر سازهای کشف شده در سعدالسلطنه قزوین است؛ این ساز، مدل یک دوم چنگ ایرانی است و ۲۱ فاصله موسیقایی با همان گام را داراست. بر اساس مستندات تاریخی، ساز کشف شده، متعلق به هزاره چهارم قبل از میلاد و قدیمی ترین ساز زهی ایران و جهان است که سایر سازهای زهی دنیا، از جمله پیانو، با الگوبرداری از آن ساخته شده است. هنوز معلوم نیست این چنگ که به شکل یک مدل گرافیکی زیبا از قو ساخته شده، متعلق به کدام قوم در ایران باستان بوده است؛ اما بد نیست بدانید که بر اساس شواهد به دست آمده، به احتمال زیاد، اولین همنوازی و شاید نخستین کنسرت تاریخ هم در ایران شکل گرفته باشد. ساختار بسیار پیشرفته جعبه تشدید صدای ساز کشف شده که آن را از جوب گردو ساخته اند، باعث شگفتی پژوهشگران تاریخ موسیقی شده است؛ چرا که بدون بهره گیری از فناوری های صداگیری، آن را در شش هزار سال قبل ساخته اند. نمونه ساخته شده از روی این ساز، در سال ۲۰۰۹ میلادی، به عنوان هدیه ایران به سازمان ملل متحد داده شد تا نمادی برای فرهنگ پر سابقه و دیرپای ایران باشد. سازهای زهی، سازهایی هستند که در آن ها صدا، از لرزش زه یا تار یا سیمی به وجود می آید که با انواع آرشه ای، زخمه ای یا ضربه ای، صدای دلخواه نوازنده را تولید می کنند. چنگ از جمله سازهای زهی ضربه ای است که به گواه پژوهشگران، مدل و شکل اولیه دیگر سازهای زهی است. در این ساز، مانند سنتور و قانون برای هر فاصله یا نُت، یک سیم، در نظر گرفته شده است. یکی دیگر از نکات جالب در تاریخ موسیقی ایران، وجود بعضی از نت های آن، در سنگ نوشته های قدیمی و باستانی است که بررسی آن ها مجال دیگری را می طلبد.

مذاکرات امنیتی آلمان وانگلیس در طرقربه!

۱۰۸ سال قبل، «سایکس»، سرکنسول انگلیس در مشهد چگونه به فعالیت جاسوسان قیصر آلمان در خراسان خاتمه داد؟



دورنمایی از جاده و پُل قدیمی مشهد به طرقربه، حدود ۷۰ سال قبل

شایدسپاهیان آلمان پس از عبور از روسیه، خود را به شمال ایران می رساندند تا از آن جاستملکات بریتانیا در هند را هدف حمله قرار دهند؛ پس لازم بود آلمانی ها اطلاعات کاملی از شرایط این منطقه داشته باشند. درست هنگامی که سوءظن به اقدامات آلمان و شنیدن شایعاتی مبنی بر آغاز جنگ با لاگرفته بود، سر و کله ستوان «اسکار نیدر مایر» در مشهد پیدا شد؛ یک افسر اطلاعاتی آلمانی که ظاهراً در پوشش جهانگرد و پژوهشگر وارد مکز ایالت خراسان می شد. این نخستین بار بود که یک آلمانی، پایش را به مشهد می گذاشت. مایر در این سفر تنها نبود؛ دکتر «ارنست دیتز»، یک اتریشی نیز، او را همراهی می کرد. آن ها روز ۱۳ ماه مه ۱۹۱۳ / ۲۳ اردیبهشت ۱۲۹۲، یعنی تقریباً ۱۰۸ سال قبل، به مشهد رسیدند. سایکس که از سال ۱۹۰۵ م/ ۱۲۸۴ ش سر کنسول دولت انگلیس در مشهد بود، در این هشت سال توانسته بود با افراد متعددی آشنا شود به همین دلیل، خبر ورود مایر خیلی زود به او رسید. سایکس به عنوان نماینده دولت انگلیس در دوران سلطنت جرج پنجم، به خوبی از حساسیت این رویداد مطلع بود؛ در حالی که اروپا به مزن انفجار نزدیک می شد، مسافرت یک آلمانی، همراه یک اتریشی، نمی توانست صرفاً جنبه یک مطالعه تاریخی یا باستان شناسی داشته باشد. سایکس به شدت به اقدامات آن ها مشکوک بود. به همین دلیل، تصمیم گرفت با دو جاسوس آلمانی- اتریشی، جلسه ای به ظاهر دوستانه داشته باشد. از این رو، آن ها را به باغ یکی از متمولان مشهد در طرقربه دعوت کرد.

■ نخستین آلمانی در مشهد

برای آلمانی ها، کسب اطلاعات از شرایط ژئوپلیتیک، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناطق تحت نفوذ روسیه و انگلیس در ایران، بسیار حیاتی بود و می توانست برای آن ها در جنگی که پیش رو داشتند، نقشی مهم ایفا کند؛

زیبایی های بیلاق طرقربه پرداخت! جاسوس آلمانی کارش را بلد بود و مأمور اطلاعاتی انگلیس نتوانست کاری از پیش ببرد.

■ ترفند سایکس

مایر به سایکس گفته بود که آن ها دوسه روزی در مشهد خواهند ماند و بعد، برای ادامه مطالعات خود، به سمت جنوب و سیستان می روند؛ جایی که منطقه تحت نفوذ انگلیس محسوب می شد؛ اما مایر و دیتز، سه ماه آن کار در مشهد ماندند و اطلاعات جمع کردند. سایکس نمی توانست نسبت به اقدام مأمور آلمانی بی تفاوت باشد. با خروج آن ها از شهر مشهد در مرداد سال ۱۲۹۲ ش، سایکس از رفقایش خواست تا اموال و ادوات مایر و دیتز را سرقت کنند. حوالی ترشیز (کاشمر امروزی)، راهزنان اجبر شده بر سر مأمور آلمانی و همراه اتریشی اش ریختند و هر چه داشتند، به یغما بردند. آن ها دست از پادرا تر به مشهد بازگشتند؛ نایب الحکومه محلی، ضمن عذرخواهی از آن ها، وجه اموال سرقت شده را تمام و کمال پرداخت کرد؛ اما پول جای اطلاعاتی را که جمع آوری کرده بودند، نمی گرفت. مایر و دیتز به سمت جنوب رفتند و دیگر گزارشی درباره آن هادر دست نداریم. یک سال بعد، در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ م/ ۵ مرداد ۱۲۹۳، جنگ جهانی اول آغاز و انبهارت اروپا منفجر شد؛ انفجاری که موجش همه عالم را گرفت و سر آغازی برای فحطی بزرگ در ایران بود.



پرسی سایکس، سر کنسول انگلیس در مشهد. سایکس قبل از آمدن به مشهد در کرمان سر کنسول بود. او دوستانی در طبقه حاکم داشت که در صورت نیاز، از امکانات آن ها کمک می گرفت؛ مثلاً می توانست با مساعدت آن ها، وسایل جاسوسان آلمانی را سرقت کند و به دست بیاورد!

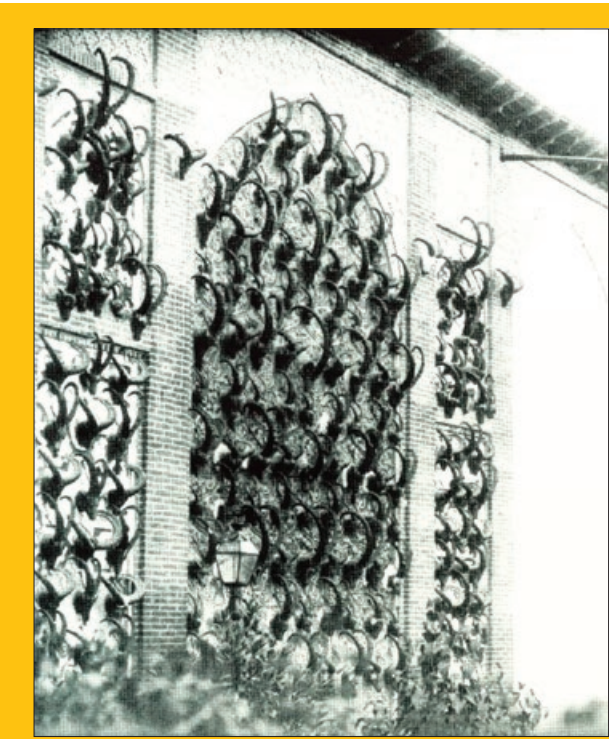
پدر سوخته حالی اش نیست که ناخوشیم!

باغ مشجر است، درخت دارد. درخت ها نوچه (کم سن و سال) هستند، اما خوب خواهد شد. با این همه، عمارتش خفه و دلنگ است. پدر سوخته ها معلوم نیست چرا این جا را این طور ساخته اند. ناهار را خور دیم، گفتمیم برویم در باغ بگردیم. از پله ها آمدیم پایین، پایمان بیچید. خیلی درد گرفت. ننشستم روی پله ها، باد بلند شد، خاک رفت توی چشمان. وضع بدی بود. پسر اقبال السلطان آمد و گفت برویم شکار. محل نگذاشتیم، پدر سوخته اصلا حالی اش نیست که ناخوشیم.

■ ۱۳ اسفند ۱۲۶۷



دوشنبه، اول رجب ۱۳۰۶ -# صبح از خواب برخاستیم. امروز باید برویم به یاتری (منطقه ای که امروزه در غرب استان سمنان قرار دارد). رخت پوشیده سوار شدیم. رانندیم. باد بدی می آمد و آن قدر گرد و خاک شد که داشتیم خفه می شدیم. شش ساعت ماند به غروب رسیدیم به یاتری. این جا ملک امین السلطان مرحوم است. عمارت و باغی ساخته و اسمش را گذاشته امین آباد. خانوار کمی پشت باغ زندگی می کنند. جور غریبی خانه ساخته اند. دور تا دور قلعه خانه ساخته اند. میانش باز است. تکیه نو خوبی ساخته اند. آب انبار خوبی دارد. آب خنکی دارد. خوشمان آمد. این جا برای عزیز السلطان خوب است. برایش روی آب انبار چادر زده اند. این ها یخچال بزرگی هم وسط باغ ساخته اند. سقفش مثل کلاه درویشان است. مردم می آمدند و یخ می بردند.



تالار «شاخ» ظل السلطان!

مسعود میرزا ظل السلطان، پسر بزرگ ناصر الدین شاه بود؛ باید ولیعهد می شد، اما چون مادرش، عفت السلطنه، زن صیغه ای شاه قاجار بود، کنارش گذاشتند. با این حال، ظل السلطان حاکم اصفهان شد و عقده شاه نشدندش را با سر گرمی های خشن و رفتارهای نامتعارف نشان داد. او به دلیل بی رحمی، معمولاً برای سرکوب شورش ها روانه میدان می شد؛ مثلاً یک بار وی را برای سرکوب قیام مردم مشهد فرستادند، اما مشهدی ها با توپ و تشر ظل السلطان از میدان بدر نرفتند. نکته ای که نباید از یاد ببریم این است که در منش و شخصیت ظل السلطان، ستمگری و زیاده روی در خونریزی و خشونت، تنها به انسان ها محدود نمی شد. تقریباً هیچ چانداری نمی توانست از دست او فرار کند! علاقه زیادیش به شکار که شاید آن را بخشی از اخلاق سلطانی خود می دانست، باعث شد هزاران حیوان بیچاره را هدف گلوله قرار دهد. او در اصفهان، تالاری در کاخش داشت به نام تالار شاخ که عکس آن را در قاب تاریخ امروز می بینید؛ صدها فوج، مارال، ... بدبختی که او به کام مرگ فرستاد، اثری در این تالار داشتند! برخی ظل السلطان را منقرض کننده نسل شیر و ببر ایرانی می دانند. او در سال ۱۲۹۷ ش در اصفهان و در ۶۸ سالگی فوت کرد.

درباره قدیمی ترین و بزرگ ترین کاریز جهان

قنات قصبه؛ شاهکار عصر هخامنشی در خراسان

اساس مطالعات باستان شناسی و بررسی سفال های یافت شده در آن، حدود دوهزار و ۵۰۰ تادوهزار و ۶۰۰ سال است و با این برآورد، باید آن را یادگار دوره تاریخی هخامنشیان و حتی قبل از آن ها، در ایران بزرگ بدانیم. کاریز یا قنات قصبه در شهر گناباد، شامل دوره شش اصلی و شش شاخه فرعی است و یک مادر چاه آن در دامنه سیاه کوه شمالی، در رشته کوه های قهستان قرار دارد؛ جایی که هم به لحاظ طبیعی و هم از نظر تاریخی، بسیار حائز اهمیت است. می دانیم که این منطقه، طی دوره سلجوقی به یکی از دژهای مستحکم اسماعیلیان تبدیل شد و پیش از آن نیز، به دلیل موقعیت سوق الجیشی که داشت، همواره مورد نظر و مطلوب حکمرانان ایران بود. خروجی قنات قصبه، در مکانی به همین نام در شهر گناباد قرار



دارد. نکته جالب دیگری که باید درباره قدیمی ترین و بزرگ ترین قنات جهان بدانید، این است که عمق مادر چاه آن، در انتهای رشته دیگر قنات که به منطقه «دولاب نو» شهرت دارد، با در نظر گرفتن شیب زمین، چیزی در حدود ۳۰۰ متر است و ابدهی آن به ۱۳۰ لیتر در ثانیه می رسد. این چاه شگفت انگیز، بدون هیچ کدام از ابزار آلات امروزی و تنها با همت ایرانیان قدیم ساخته شده و شکل گرفته است و در مرز معجزات دنیا قرار دارد.

تاریخ جهان

برگی ناخوانده از مقاومت سرخ پوستان علیه دولت آمریکا

آپاچی ها علیه یانکی ها



جرونیسمو فرمانده آپاچی ها در اویل قرن بیستم

وقتی صحبت از آپاچی ها به میان می آید، معمولاً یاد فیلم های وسترن می افتیم؛ سرخ پوستانی که دستمال قرمزی دور سر بسته اند، سوار بر اسب هستند، با تفنگ یا تیر و کمان شلیک می کنند و البته، آدم های بی رحم و خونریزی هستند که به کودکان هم رحم نمی کنند. اما در دنیای واقعی و رویدادهای تاریخی، آپاچی ها مهم ترین و جدی ترین نیروهای بومی ای بودند که مقابل توسعه طلبی آمریکایی ها ایستادند و آن ها را وادار کردند که بابت تصاحب زمین های آب و اجدادی شان، پول پرداخت کنند. در زبان بومیان سرخ پوست، آپاچی به معنای جنگجو است. آن ها بخشی از قبایل بومی آمریکای شمالی بودند که در نبرد و شکار مهارت خاصی داشتند؛ غذای خود را از طریق شکار گاو میش ها به دست می آوردند و به دلیل سبتره جویی و مهارت در نبرد، شهرت فراوانی داشتند. آپاچی ها، برخلاف دیگر قبایل سرخ پوست بومی آمریکای شمالی که مردمانی ذاتاً صلح جو و آرام بودند و سفیدپوستان توانستند با سوءاستفاده از همین ویژگی، زمین ها و ثروت اداری و معنوی آن ها را غارت کنند، اصلا اهل کوتاه آمدن و سازش نبودند. آپاچی ها اعتقاد داشتند که جواب یانکی های سفیدپوست که بومیان را مردمانی وحشی و بدوی قلمداد می کنند و انجام هر نوع جنایتی را علیه آن ها مجاز می دانند، فقط استفاده از زور و خشونت است. جنگجویان سوارکار آپاچی، از قبيله «ناواها»، طی قرن های ۱۸ و ۱۹، مهم ترین نیروی مقاوم در برابر پیشروی سفیدپوستان به سمت غرب بودند. آن ها دست به نبردهای غافلگیرانه می زدند و پادگان آمریکایی های سفیدپوست را هدف حملات سخت قرار می دادند. آپاچی ها تقریباً تا اواخر قرن ۱۸، یعنی سال ۱۸۸۶ م، به مقاومت خود ادامه دادند و در برخی جبهه ها، یانکی ها را به زانو درآوردند. در سال ۱۸۶۶، «کوچیس» یکی از رهبران مشهور آپاچی، بزرگ ترین نبرد را علیه سفیدپوستان آغاز کرد که باعث وارد آمدن خسارات سنگینی به آن ها شد؛ اما با توسعه و گسترش قدرت سفیدپوستان در غرب آمریکا، به تدریج توان مقاومت آپاچی ها کاهش یافت. آن ها به قراردادی تن دادند که بر اساس آن، با وجود از دست دادن قسمت مهمی از اراضی شان، بخش بزرگی از غرب آمریکا، به وسعت حدود یک میلیون جریب زمین را در اختیار آن ها قرار می داد و سفیدپوستان مکلف بودند در برابر استفاده از زمین های اجدادی قبایل آپاچی، اجاره پرداخت کنند. با وجود این، سفیدپوستان چندان به عهد خود وفادار نبودند و همین مسئله، باعث بروز قیام دوباره آپاچی ها به فرماندهی سرخ پوستان شاخصی مانند جرونیمو، شد که با صلح متزلزلی خاتمه یافت. امروزه بقایای قبایل آپاچی در قرارگاه های تعیین شده ای واقع در آریزونا و چند ایالت دیگر آمریکا زندگی می کنند و طبق آمار، آخرین جمعیت آن ها در این قرارگاه ها، چیزی حدود ۱۰ هزار نفر بوده است.

درباره حالات قصبه حال

قاب تاریخ

آگهی دعوت بستانکاران با اختطارات لازمه

به عموم بستانکاران شرکت سهامی عام کارتن مشهد به شماره ثبت ۲۳۲۳ و شناسه ملی ۱۳۹۶۰۱۹۲۳۴۵ که حکم ورشکستگی آن برابر دادنامه شماره ۹۹۷۵۸۷۸۵۰۰۹۹۷۷۵۸۷۸۵۰۰۹۹۰۵/۲۹-۱۳۹۹ صادره از شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی مشهد صادر و توقف آن ۱۳۹۶/۳/۱ اعلام گردیده، آگهی می‌دهد:

جلسه بستانکاران در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه ۱۴۰۰/۴/۱۵ در اداره تصفیه امور ورشکستگی مشهد تشکیل می‌گردد. کلیه بستانکاران و کسانی که ادعایی دارند و همچنین اشخاصی که با شرکت ورشکسته موصوف مسئولیت تضامنی داشته یا ضامن آن هستند، می‌توانند در موعد و محل مذکور حضور به هم رسانند. ضمناً احتضار می‌شود:

- کلیه بستانکاران و کسانی که هر گونه ادعائی از شرکت ورشکسته فوق دارند، باید اصل یا تصویر مصدق مدارک خود را ظرف دو ماه از تاریخ نشر این آگهی به اداره تصفیه تسلیم نمایند. (مدت ارسال مدارک برای بستانکارانی که در کشورهای بیگانه اقامت دارند سه ماه می باشد)
- کسانی که به شرکت ورشکسته فوق بدهی دارند، باید ظرف مدت مذکور خود را معرفی و بدهی خود را در وجه اداره تصفیه بپردازند. طبق ماده ۲۴ قانون تصفیه امور ورشکستگی، بدهکاران متخلف از این وظیفه به جریمه نقدی معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) دین محکوم خواهند شد. ضمناً دادگاه ها می‌توانند علاوه بر جریمه نقدی، بدهکاران مذکور را به زندان تأدیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم نمایند.
- کسانی که به هر عنوان اموال شرکت ورشکسته فوق را در اختیار دارند مکلفند در ظرف مدت دو ماه مذکور همان اموال را تحت اختیار اداره تصفیه بگذارند و گر نه هر حقی که نسبت به آن مال دارند از آنان سلب خواهد شد، مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند.

احمد علی طاهرزاده

رئیس اداره تصفیه امور ورشکستگی مشهدو مستشار دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی